

۴۳: مسئله دوازدهم (الثانیه عشره)

دو مسئله باقی مانده است که ارتباط دارد با همان بحث غرر. هم حدود و ثغور غرر مطرح شد که هر گونه جهالتی مانع معامله است. شبهات مصداقیه از آن بررسی شد. آن چه مطرح است یکی دیگر از شبهات مصداقیه ی غرر است.

ابتدا فرموده است شکی نیست که کرم ابریشم بیعش صحیح است. هم مال است و هم ملک است. مال است یعنی منفعت عقلاییه در آن هست. بیع ابریشم بی شک صحیح است و بیع کرم ابریشم هم همین طور. بحث سر این است که اگر کسی ابریشم خرید و فروش کند در آن وقتی که کرم ابریشم در داخل این ابریشم باشد، آیا این معامله صحیح است یا نه؟

وجه عدم صحت: کرم ابریشم موجود در لابلای ابریشم در معرض تلف است. به منزله ی میته است. اگر بخواهند ابریشم را با آن کرم ابریشم موجود در ابریشم معامله کنند، از دو حال خارج نیست.

الف: یا آن کرم هم جزء المبیع است: بیع باطل است. چون به منزله ی میته است. ولو زنده باشد، ولی در شرف مردن است. بیعش شرعا و عقلا ممنوع است.

ب: اگر جزء مبیع نیست، باعث می شود خود آن ابریشم بشود مجهول. مخصوصا اگر وزنی معامله شود. باعث غرر می شود.

شهادت اول با یک تشبیه جواب می دهد: انه کالتمر فی النوی. اگر کسی خرما می خرد هسته جزء المبیع است یا نه؟ اگر هست مالیت ندارد و اگر نیست کم خرما را مجهول می کند. با این که همه می گویند بیع خرما با هسته صحیح است. شهادت ثانی این را توضیح می دهد: منظور شهادت از این تشبیه این است که اساسا کسی که اقدام می کند بر خریدن خرما اصل را خرما قرار می دهد و به تبع آن هسته را. قرار نیست جزء مبیع باشد. ولی به نظر عرفی کم خرما را با هسته اندازه گیری می کنند. ما دنبال چه هستیم؟ دنبال این هستیم که غرر از لحاظ عرفی صدق نکند. آن ابریشمی که کرم ابریشم در آن هست، اگر معامله می شود همان طوری، دیگر کم ابریشم را با وجود همان مشخص می کنند. عرفا غرر نیست.



فرمایش شهید: اگر حیوانی در معرض فساد است، بفروشیم بیعش باطل نیست. مثلاً اگر گوسفندی در حال مردن است بفروشیم باطل نیست. البته در این مثال باطل نیست. محشین فرموده اند در مثال ما در معرض فساد بودن باعث بطلان است چون مالیت ندارد.

۴۴: سوم از آداب بیع

اقاله:

طرف معامله خواستار به هم زدن معامله شود، مستحب است شما احابت کنید. روایتی نقل شده است. این مطلب روشن است.

بحثی که هست این است که گاهی اوقات احد طرفی معامله یا هر دو طرف حق فسخ دارد. بحث این است که آیا اقاله در صورتی که حق فسخ موجود است، مشروع است؟ اقاله فسخ معامله ی سابق است. مبیع که از ملک بایع خارج شده است دوباره بر گردد به او و هم چنین ثمن. قهراً جا دارد بحث کنیم که اقاله کجا موثر است. اگر من حق فسخ معامله را از طریق خیار دارم، طلب اقاله کنم و شما هم اقاله کنید. آیا این اقاله موثر است؟

بعضی فرموده اند اقاله فقط در مواردی است که هیچ کدام راهی به فسخ معامله ندارند. اما اشکال روشن است. بخواهیم اختصاص بدهیم اقاله را به صورت عدم خیار دلیل می خواهد. ادله ی مشروعیت اقاله اطلاق دارد. شامل صورتی که معامله لازم باشد می شود و هم چنین که معامله خیاری است.

اقاله ثواب دارد. می خواهیم از حق خیارم استفاده نکنم و اقاله کنم که طرف مقابل رنجیده نشود. می خواهی ثواب عاید طرف شود.

بحث می شود که آیا با وجود خیار از راه اقاله پیش رفتن، غیر از این که معامله باطل می شود، آیا اثری هم بر اقاله بار می شود یا نه؟

حق این است که اثری مترتب نمی شود. بعضی فرموده اند اثری به نام حق شفعه بر اقاله بار می شود.

